





صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ



قرآن هفتاد و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران

قرآن هفتاد و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران



سورہ مبارکہ عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند هستی بخش مهربان

عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱)	چهره در هم کشید و روی گردانید.	فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (۱۲)	پس برای آن کسی که بخواهد ذکر بگیرد.
أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)	آنگاه که نابینایی نزدش آمد.	فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (۱۳)	قرآن در صحیفی بزرگ داشته شده،
وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (۳)	و تو نمی دانی، شاید که او تزکیه شود.	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)	بلند مرتبه و پاک،
أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)	و یا ذکر را بپذیرد و در نتیجه ذکر برایش نفع داشته باشد.	بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)	فرو فرستاده شده به دستان فرستادگانی،
أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى (۵)	اما کسی که طلب بی نیازی می کند،	كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)	بزرگوار و نیکی رسان، است.
فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)	پس تو او را می گماری!	قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)	ای وای بر انسان که اینگونه حق پوشی می کند!
وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷)	در حالی که بر تو تکلیفی و باکی نیست حتی اگر او تزکیه نشود.	مِنْ أَى شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)	از چه چیزی خلق شده است؟
وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)	اما کسی که شتابان به سوی تو آمد.	مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹)	از نطفه ای خلق و سپس تقدیر شده است.
وَهُوَ يَخْشَى (۹)	در حالی که نسبت به خدا خشیت داشت	ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ (۲۰)	سپس راه برایش میسر گردیده است.
فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)	پس تو او را رها کرده و به او بی اعتنایی می کنی و به دیگری می پردازی!	ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)	سپس می میرد و در قبر جای می گیرد.
كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)	نه، چنین نیست. به درستی که قرآن تذکره و مایه ذکر است.	ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲)	سپس هنگامی که بخواهد او را برانگیزد.

کَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)	نه، چنین نیست. انسان دستورات الهی را به انجام نرسانید.	فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)	پس هر گاه که صاخّه (نفخه صور) بیابد
فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)	پس باید که انسان بر طعامش نظر کند.	يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)	روزی است که انسان از برادرش می‌گریزد
أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)	که چگونه ما آب را به شدت فرو می‌فرستیم.	وَأُمُّهُ وَآبِيهِ (۳۵)	و از مادرش و از پدرش
ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)	سپس زمین را [با جوانه زدن گیاهان] می‌شکافیم.	وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)	و از دوستش و از فرزندانش.
فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)	پس در آن دانه می‌رویانیم	لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)	برای هر کسی شئونی است که او را از همه نظر مشغول به خود کرده است.
وَعِنْبًا وَقَضْبًا (۲۸)	و انگور و سبزیجات	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)	در آن روز چهره‌هایی گشاده و نورانی‌اند
وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)	و زیتون و نخل	ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)	خندان و خوشحالند
وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)	و باغ‌هایی با درختان بزرگ	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلِيَّا غَيْرَةٌ (۴۰)	و جوهری در آن روز بر آنها نشانه‌های غم و اندوه است.
وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)	و میوه‌ها و چراگاه‌ها	تَرَهَّقَهَا قَتْرَةٌ (۴۱)	که بر این چهره‌ها سیاهی و تاریکی نشسته است.
مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)	[این خوردنی‌ها] متاعی برای شما و چهارپایان تان است.	أُولَئِكَ هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)	آنان همان جماعت کفر و فجور هستند.

دسته بندی آیات سوره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند هستی بخش مهربان

عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱)	چهره در هم کشید و روی گردانید.	فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (۱۲)	پس برای آن کسی که بخواهد ذکر بگیرد.
أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)	آنگاه که نابینایی نزدش آمد.	فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (۱۳)	قرآن در صحفی بزرگ داشته شده،
وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (۳)	و تو نمی دانی، شاید که او تزکیه شود.	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)	بلند مرتبه و پاک،
أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)	و یا ذکر را بپذیرد و در نتیجه ذکر برایش نفع داشته باشد.	بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)	فرو فرستاده شده به دستان فرستادگانی،
أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى (۵)	اما کسی که طلب بی نیازی می کند،	كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)	بزرگوار و نیکی رسان، است.
فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)	پس تو او را می گماری!	قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أُكْفَرَهُ (۱۷)	ای وای بر انسان که اینگونه حق پوشی می کند!
وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷)	در حالی که بر تو تکلیفی و باکی نیست حتی اگر او تزکیه نشود.	مِنْ أَى شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)	از چه چیزی خلق شده است؟
وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)	اما کسی که شتابان به سوی تو آمد.	مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹)	از نطفه ای خلق و سپس تقدیر شده است.
وَهُوَ يَخْشَى (۹)	در حالی که نسبت به خدا خشیت داشت	ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ (۲۰)	سپس راه برایش میسر گردیده است.
فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)	پس تو او را رها کرده و به او بی اعتنایی می کنی و به دیگری می پردازی!	ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)	سپس می میرد و در قبر جای می گیرد.
كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)	نه، چنین نیست. به درستی که قرآن تذکره و مایه ذکر است.	ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲)	سپس هنگامی که بخواهد او را برانگیزد.

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

نه، چنین نیست. انسان دستورات الهی را به انجام نرسانید.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)

پس باید که انسان بر طعامش نظر کند.

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

که چگونه ما آب را به شدت فرو می‌فرستیم.

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

سپس زمین را [با جوانه زدن گیاهان] می‌شکافیم.

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

پس در آن دانه می‌رویانیم

وَعِنْبًا وَقَضْبًا (۲۸)

و انگور و سبزیجات

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

و زیتون و نخل

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

و باغ‌هایی با درختان بزرگ

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

و میوه‌ها و چراگاه‌ها

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

[این خوردنی‌ها] متاعی برای شما و چهارپایان تان است.

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)

پس هر گاه که صاخّه (نفخه صور) بیابد

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

روزی است که انسان از برادرش می‌گریزد

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵)

و از مادرش و از پدرش

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)

و از دوستش و از فرزندانش.

لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

برای هر کسی شئونی است که او را از همه نظر مشغول به خود کرده است.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

در آن روز چهره‌هایی گشاده و نورانی‌اند

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

خندان و خوشحالند

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ غَیْبَرَةٌ (۴۰)

و جوهری در آن روز بر آنها نشانه‌های غم و اندوه است.

تَرَهَقَهَا فَتْرَةٌ (۴۱)

که بر این چهره‌ها سیاهی و تاریکی نشسته است.

أُولَئِكَ هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

آنان همان جماعت کفر و فجور هستند.



طرح سوال از سوره

دسته اول: برخورد اجتماعی افراد و معیارهای آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ	
چهره در هم کشید و روی گردانید.	عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱)
آنگاه که نابینایی نزدش آمد.	أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)
و تو نمی دانی، شاید که او تزکیه شود.	وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكَّى (۳)
و یا ذکر را بپذیرد و در نتیجه ذکر برایش نفع داشته باشد.	أَوْ يُذَكِّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)
اما کسی که طلب بی نیازی می کند،	أَمَّا مَنْ اسْتَغْنَى (۵)
پس تو او را می گماری!	فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)
در حالی که بر تو تکلیفی و باکی نیست حتی اگر او تزکیه نشود.	وَ مَا عَلَيْكَ إِلَّا يَزَكَّى (۷)
اما کسی که شتابان به سوی تو آمد.	وَ أَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)
در حالی که نسبت به خدا خشیت داشت	وَ هُوَ يَخْشَى (۹)
پس تو او را رها کرده و به او بی اعتنایی می کنی و به دیگری می پردازی!	فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

دسته دوم: معرفی قرآن و جایگاه آن

نه، چنین نیست. به درستی که قرآن تذکره و مایه ذکر است.	كَلَّا إِنَّهَا تَذِكْرَةٌ (۱۱)
پس برای آن کسی که بخواهد ذکر بگیرد.	فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرَهُ (۱۲)
قرآن در صحفی بزرگ داشته شده،	فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (۱۳)
بلند مرتبه و پاک،	مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)
فرو فرستاده شده به دستان فرستادگانی،	بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)
بزرگوار و نیکی رسان، است.	كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

دسته سوم: انسان از ابتدای زندگی تا انتهای آن

فُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)	ای وای بر انسان که اینگونه حق پوشی می کند!
مِنَ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)	از چه چیزی خلق شده است؟
مِنَ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹)	از نطفه‌ای خلق و سپس تقدیر شده است.
ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰)	سپس راه برایش میسر گردیده است.
ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)	سپس می‌میرد و در قبر جای می‌گیرد.
ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)	سپس هنگامی که بخواهد او را برانگیزد.
كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)	نه، چنین نیست. انسان دستورات الهی را به انجام نرسانید.

دسته چهارم: انواع طعام، انواع گیاه و انواع انسان‌ها

پس باید که انسان بر طعامش نظر کند.	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)
که چگونه ما آب را به شدت فرو می‌فرستیم.	أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)
سپس زمین را [با جوانه زدن گیاهان] می‌شکافیم.	ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)
پس در آن دانه می‌رویانیم	فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)
و انگور و سبزیجات	وَ عِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸)
و زیتون و نخل	وَ زَيْتُونًا وَ نَخْلًا (۲۹)
و باغ‌هایی با درختان بزرگ	وَ حَدَائِقَ عُلبًا (۳۰)
و میوه‌ها و چراگاه‌ها	وَ فَاكِهَةً وَ أَبًّا (۳۱)
[این خوردنی‌ها] متاعی برای شما و چهارپایان تان است.	مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

دسته پنجم: چهره‌ها و رفتارها در روز قیامت

پس هر گاه که صاخّه (نفخه صور) بیابد	فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ (۳۳)
روزی است که انسان از برادرش می‌گریزد	يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)
و از مادرش و از پدرش	وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵)
و از دوستش و از فرزندانش.	وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)
برای هر کسی شئونی است که او را از همه نظر مشغول به خود کرده است.	لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)
در آن روز چهره‌هایی گشاده و نورانی‌اند	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)
خندان و خوشحالند	ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)
و وجوهی در آن روز بر آنها نشانه‌های غم و اندوه است.	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلِيْلَةٌ غَبْرَةٌ (۴۰)
که بر این چهره‌ها سیاهی و تاریکی نشسته است.	تَرَهَقْتُمَا قَتْرَةٌ (۴۱)
آنان همان جماعت کفر و فجور هستند.	أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)



**بررسی دقیق تر معنی
واژه های سوره**

عمی

عدم بینایی را گویند. پس عمی فقدان علمِ حاصل از بینایی چشم یا قلب است

زکو

دور کردن آنچه حق نیست و خارج ساختن آن از متن سالم را گویند. مانند: از بین بردن صفات رذیله از قلب، دور کردن اعمال زشت از برنامه زندگی انسان و...

ذکر

به یادآوری در مقابل فراموشی یا غفلت گویند. این معنی میتواند اعم
از تذکر به قلب یا به زبان باشد

لهو

میل به چیزی و کسب لذت در آن بدون آنکه نتیجه و غایت خاصی مد
نظر باشد. تلهی به معنای غافل شدن است.

سعی

مرتبه ای از جهد و کوشش است،
جهد نیز سعی کامل و بلیغی است که به نهایت برسد

خشی

مراقبت و وقایه (سپرگرفتن) همراه با ترس است، به این شکل که مراقب
اعمالش باشد و خودش را با خوف و ملاحظه حفظ کند

دسته اول: برخورد اجتماعی افراد با انگیزه‌های مختلف

بسم الله الرحمن الرحيم	
چهره در هم کشید و روی گردانید.	عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱)
آنگاه که نابینایی نزدش آمد.	أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)
و تو نمی‌دانی، شاید که او تزکیه شود.	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (۳)
و یا ذکر را بپذیرد و در نتیجه ذکر برایش نفع داشته باشد.	أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)
اما کسی که طلب بی‌نیازی می‌کند،	أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى (۵)
پس تو او را می‌گماری!	فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)
در حالی که بر تو تکلیفی و باکی نیست حتی اگر او تزکیه نشود.	وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷)
اما کسی که شتابان به سوی تو آمد.	وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى (۸)
در حالی که نسبت به خدا خشیت داشت	وَهُوَ يَخْشَى (۹)
پس تو او را رها کرده و به او بی‌اعتنایی می‌کنی و به دیگری می‌پرداز!	فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

سفر



حرکت کسی به سوی محیط خارج از محدوده خویش را گویند.
سَفَرَهُ کسانی هستند که از سوی خدای تعالی برانگیخته شده اند و کتاب
های آسمانی در دست آنهاست تا آنها را به مردم برسانند.

کرم

این مفهوم در مقابل پستی و خواری قرار دارد.
گرامت؛ عزّت و تفوّق در نفس چیزی است.

برر

نیکویی عمل در مقابل دیگران است و این معنا به اختلاف اشخاص و
موضوعات و موارد فرق می کند

دسته دوم: معرفی قرآن و جایگاه آن

کَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)	نه، چنین نیست. به درستی که قرآن تذکره و مایه ذکر است.
فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (۱۲)	پس برای آن کسی که بخواهد ذکر بگیرد.
فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (۱۳)	قرآن در صحفی بزرگ داشته شده،
مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)	بلند مرتبه و پاک،
بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)	فرو فرستاده شده به دستان فرستادگانی،
كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)	بزرگواری و نیکی رسان است.

کفر

رَد و اعتنا نکردن به چیزی است و از آثار آن براءت جستن، محو و
تغطیه (پوشاندن) است.
مصادیق: عدم اعتنا به نعمت و احسان - عدم اعتنا و توجه به حق

قدر

به معنی اندازه و اندازه گیری است.
قدر نقشه طراحی شده شیء است که برای کوچکترین مسئله آن، نقشه
خاصی ترسیم شده است.

دسته سوم: انسان از ابتدای زندگی تا انتهای آن

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)	ای وای بر انسان که اینگونه حق پوشی می کند!
مِنْ أَىِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)	از چه چیزی خلق شده است؟
مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ (۱۹)	از نطفه‌ای خلق و سپس تقدیر شده است.
ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ (۲۰)	سپس راه برایش میسر گردیده است.
ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)	سپس می میرد و در قبر جای می گیرد.
ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)	سپس هنگامی که بخواهد او را برانگیزد.
كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)	نه، چنین نیست. انسان دستورات الهی را به انجام نرسانید.

نظر

نگاه کردن با تعمق و تحقیق در موضوعی مادی یا معنوی
به بصر یا بصیرت را گویند

صَبَب

هر ریزشی از بلندی که میتواند درباره موضوعی مادی یا معنوی باشد

دسته چهارم: انواع طعام، انواع گیاه و انواع انسان‌ها

پس باید که انسان بر طعامش نظر کند.	فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)
که چگونه ما آب را به شدت فرو می‌فرستیم.	أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)
سپس زمین را [با جوانه زدن گیاهان] می‌شکافیم.	ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)
پس در آن دانه می‌رویانیم	فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)
و انگور و سبزیجات	وَ عِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸)
و زیتون و نخل	وَ زَيْتُونًا وَ نَخْلًا (۲۹)
و باغ‌هایی با درختان بزرگ	وَ حَدَائِقَ عُلبًا (۳۰)
و میوه‌ها و چراگاه‌ها	وَ فَاكِهَةً وَ أَبًّا (۳۱)
[این خوردنی‌ها] متاعی برای شما و چهارپایان تان است.	مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

وجه

آن چیزی از شیء که به سوی آن توجه می شود

غبر

چیزی که از چیز دیگری، حال به صورت اثری از آن یا جزئی از آن باقی می ماند
غَبْرَةٌ - بر وزن فَعْلَةٌ - : چیزی است که از جمله چیزی که منبسط و گسترده شده،
باقی می ماند .

و منظور، آن چیزی است که از آثار تعلق به دنیا و ماده، بر نفس پس از جدا شدن
از زندگی دنیوی باقی می ماند.

رهق

حالتی که در آن شیء با چیزی که مورد کراهت است، پوشیده شود

قتر

قَتْر و قَتْرَةٌ؛ به معنای چیزی است که در اثر قرار گرفتن در تضییق و تنگی حاصل می شود.

فجر

شکاف همراه با آشکاری چیزی.
فجره جمع فاجر است و فاجر به معنی شکاف در حالت تقوا و عدالت،
و ظهور فسق و عدوان است

دسته پنجم: چهره‌ها و رفتارها در روز قیامت

پس هر گاه که صاخّه (نفخه صور) بیابد	فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)
روزی است که انسان از برادرش می‌گریزد	يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)
و از مادرش و از پدرش	وَأُمِّهِ وَآبِيهِ (۳۵)
و از دوستش و از فرزندانش.	وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)
برای هر کسی شئونی است که او را از همه نظر مشغول به خود کرده است.	لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)
در آن روز چهره‌هایی گشاده و نورانی‌اند	وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)
خندان و خوشحالند	ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)
و وجوهی در آن روز بر آنها نشانه‌های غم و اندوه است.	وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيهَا غَبْرَةٌ (۴۰)
که بر این چهره‌ها سیاهی و تاریکی نشسته است.	تَرَهَّقُهَا قَتْرَةٌ (۴۱)
آنان همان جماعت کفر و فجور هستند.	أُولَئِكَ هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲)

نزدیک شدن به غرض آن

❖ زندگی محلی برای تزکیه است و قرآن، کتاب این تزکیه و طعامی برای شکوفایی است، سعی و خشیت عامل پیوند انسان به این کتاب و طعام است. چه اینکه با تناول این طعام، هر انسانی متناسب با استعدادی که دارد به رویشی دست می‌یابد. انسان‌هایی که در این مقام سعی و خشیت دارند هر چند دارای ناتوانی‌هایی باشند، نباید مورد تحقیر قرار گیرند.

❖ اگر انسان و جامعه باورهای خود را به ذکر، یعنی قرآن متصل نکند، در پس باورهای ظاهرگرایانه در متن دین هم که باشد چهره‌ای ذلیلانه و غبار گرفته خواهد داشت.

❖ انسان باید به طعام خود بنگرد و ببیند که اگر در آن طعام چیزی از جنس قرآن (ثقلین) نباشد، دچار کفر و فجور می‌شود

طهارت سورہ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي
وَالبَاقِينَ فِي قَلْبِي وَالإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي
السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي

